

بصیرت در کلام مرد بصیرت (۳)

بی بصیرتی، تلاش های گذشته را باطل می کند

خطبه‌ی فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهارنظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرائط بیان شده است. قوت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره‌ی زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا میکنند، بعضی هلهله میکنند، بعضی هم گریه میکنند؛ در یک چنین شرائط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع میکند؛ همان لحنی را به کار میبرد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار میبرد؛ همان جور حرف میزند؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل»؛ ای خدعه‌گراها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید؛ اما در امتحان اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور کوری نشان دادید. «هل فیکم الا الصلف و العجب و الشنف و الکذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ی مقابله‌ی با فتنه بریائید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مثلکم کمثل الّتی نقضت غزلها من بعد قوّة انکاثا»؛ مثل آن کسی شدید که پشم را میریسد، تبدیل به نخ میکند، بعد نخها را دوباره باز میکند، تبدیل میکند به همان پشم یا پنبه‌ی نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته‌ی خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف..

بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور ۱۳۸۹/۰۲/۰۱

امروز ملت ایران به عنوان یک ملت مقتدر در دنیا شناخته شده است

آن روزی که قدرتها میتوانند آزادانه ملتهای این منطقه را تهدید کنند، تحقیر کنند و هر وقت اراده‌شان تعلق گرفت، بیایند نیرو پیاده کنند و فشار بیاورند، سپری شده است. امروز ملت ایران به عنوان یک ملت مقتدر در دنیا شناخته شده است. مسئله، مسئله‌ی پول نیست، سلاح نیست، ابزارهای تبلیغات نیست که دشمنان ما هزار برابر ما این چیزها را دارند؛

مسئله، مسئله‌ی ایمان است، عزم راسخ است، بصیرت است، آگاهی یک ملت به شأن خود، به جایگاه خود و به حق خود است.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) ۰۵/۰۴/۱۳۸۹

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه‌ی خصلتهای نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده میکند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله‌ی بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه‌ی ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) ۰۵/۰۴/۱۳۸۹

باید بصیر بود

باید بصیر بود؛ باید آگاه بود؛ باید هوشیار بود. ملتها در مسیر خودشان، در موارد حساس باید بفهمند دشمن دارد چه کار میکند. وقتی می‌بینند از عهده‌ی یک ملت با برخورد نظامی بر نمی‌آیند، با برخوردهای تهدیدآمیز و ارباب‌آمیز بر نمی‌آیند، آن وقت شروع میکنند از طرق دیگر اخلال کردن؛ این را بفهمیم. ایجاد اختلاف، ایجاد دشمنی، بهانه‌جوئی.

بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر ۱۵/۰۹/۱۳۸۸

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای